



# روایت‌شناسی کتاب «چلچراغی در تاریکی»

(بر پایه زندگی استاد سیدعلی اکبر صنعتی)

اثر هادی سیف انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برای گروه سنی «ه»

تقدیر شده در نهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد

فاطمه رضایی

«چلچراغی در تاریکی»، روایتی از زندگی مرحوم استاد سیدعلی اکبر صنعتی است؛ روایتی منظم و بدون پیچدگی که از نقطه الف (آغاز زندگی قهرمانی) شروع می‌شود و با نظمی علی (سببی) در بستر زمان پیش می‌رود. هر چیزی، حادثه‌ای و شخصیتی، سبب اتفاق بعد از خود می‌شود. به همین دلیل فهم داستان برای مخاطب بسیار آسان است.

در خوانش یک شرح حال یا بیوگرافی خواننده می‌داند که قرار نیست با حادثه‌ای خارق عادت یا عجیب و باورنکردنی روبرو شود؛ برخلاف ادبیات پست‌مدرن که متن، با حساب و کتاب‌های خواننده مطابق نیست و حوادث براساس اتفاق و شانس رقم می‌خورند. شما از ابتدای کتاب در قالبی معمول و مشخص قرار می‌گیرید و می‌توانید حدس بزنید که کودک (قهرمان داستان) با مشکلات و دشواری‌های زیادی که عمدتاً مالی هستند، مواجه می‌شود. در پایان هم با سعی و تلاش، صبر و بردباری، و توکل به خدا، هنرمندی به نام می‌گردد. تم اصلی داستان ایمان و پشتکاری است که قهرمان را به هدف اصلی می‌رساند. خط و ربط و انسجام ماجراها هم به‌خاطر نظم زمانی مشخص و مرتب آن‌هاست.

قهرمان «چلچراغی در تاریکی» در گذار از دنیای کودکی و مراحل نوجوانی و بزرگسالی دچار بحران درونی یا هویتی (شخصیتی) نمی‌شود. در کشمکش ایمان و اعتقاد قرار نمی‌گیرد. نسبت به آرمان‌ها و آرزوهایشان، و اهداف یا اعتقاداتش دچار تردید نمی‌شود. تنها تنش و درگیری او با موقعیت‌ها، شرایط و وضعیت و محیط اطراف است. کشمکش درونی او فقط نزاع موقعیت‌ها با خواسته‌های دل اوست.

وقتی در کودکی روی چارقید سفید گلداری بی نقاشی می‌کشد، یا بر دیوارهای یتیم‌خانه با ذغال گل و بوته می‌کشد، نزاع بین میل شدید به نقاشی (نیروی محرک) و وحشت از عواقب کاری را که می‌داند ناخوشایند است (عوامل بازدارنده) تجربه می‌کند. در اوج عقل و درایت، وقتی دیگران او را به خاطر رفتار خردمندانه و بزرگسالانه‌اش، به سرپرستی (در کارگاه قالی‌بافی یا خوابگاه یتیم‌خانه) می‌گمارند، به پیروی از دلش شبانه کاج سبزی روی قالی می‌بافد یا بر دیوار نقاشی می‌کشد. و در نهایت هم در درونش نزاع بین عشق به فراگیری هنر و دوری از مادر را می‌یابد.

سید علی اکبر، فرزند سید محمد رضا، در خردسالی پدرش را بر اثر فقر و طاعون از دست می‌دهد. مادر (بی‌بی) با کار برای دیگران و نشستن پای «چرخو» (چرخ نخریسی) یگانه فرزندش را بزرگ می‌کند. از همان کودکی عشق او به نقاشی را می‌فهمد و برایش کاغذ و مدادرنگی تهیه می‌کند. بی‌بی به علت ضعف و مریضی از عهده خرج خانه بر نمی‌آید. علی اکبر به یتیم‌خانه می‌رود و بی‌بی هر هفته به او سر می‌زند و محبتش را نثار یتیمان دیگر آنجا نیز می‌کند. محبت پدرا نه سرپرست یتیم‌خانه، حاجی هم نام او حاج علی اکبر، باعث می‌شود سید نوجوان، نام فامیل او را برای خود انتخاب کند و نیز مرام و کنش مردانه او را که کمک به کودکان یتیم و تلاش برای تعلیم و تربیت آن‌ها تا پایان عمر بود.

از قدیم با روایت کردن وقایع زندگی بزرگان، حتی بیان داستان‌های تمثیلی، سعی کرده‌اند مفاهیمی را عادی و «طبیعی‌سازی» کنند که برای ما قابل درک و فهم و به طبع قابل قبول و پذیرش باشد. در زندگی ما همیشه مجموعه‌ای از طرح‌های اولیه یا «کلان طرح» وجود داشته است. برای مثال، یکی از روایت‌های کلان زندگی ما این است که «برای به دست آوردن هر چیزی باید زحمت کشید». به عبارت دیگر، «نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود». این طرح کلان که در شکل‌گیری زندگی اجتماعی ما نقش ایدئولوژیک دارد، در روایت‌های متفاوت یک اصل طبیعی فرض شده است. اما آیا به حقیقت، این شعار یک اصل طبیعی است؟ آیا افراد موفق که امروز بچه‌ها اطراف خودشان می‌بینند، همه با رنج به گنج رسیده‌اند؟ به خصوص قشر هنرمند جامعه، نقاشان، مجسمه‌سازان و... آیا آنان که نام و ثروتی یافته‌اند، همگی با صرف کوشش و تلاش مداوم یافته‌اند؟

نوجوانان ما می‌بینند عده‌ای در جامعه در حال رنج و سختی مداوم‌اند، بدون اینکه تغییر در زندگی‌شان پیش بیاید، وعده‌ای با داشتن سیاست‌های کاری و آگاهی از مناسبات و روابط اجتماعی

و... زندگی موفق‌تری دارند. «طرح‌های اولیه» مجموعه‌ای از قالب‌های روایی را می‌سازند که «لیوتار<sup>۲</sup>» به آن‌ها «روایت‌های کلان<sup>۳</sup>» می‌گوید. نویسنده، زندگی مرحوم صنعتی را براساس طرح‌های کلان موجود در جامعه سنتی ما روایت‌سازی کرده است. روایت زندگی مرحوم سیدعلی‌اکبر صنعتی پر است از روایت‌های کلانی چون «برپا کردن نهضت انسانی در عرصه هنر»، «آرمان‌گرایی هنرمند»، «پذیرش رنج و فقر برای دستیابی به هنر» و...

نویسنده، هادی سیف، جای‌جای داستان از زبان استادان، دوستان و خود مرحوم صنعتی به نصیحت جوانان می‌پردازد و درس اخلاق و زندگی می‌دهد. یکی دیگر از روایت‌های کلان در زندگی‌نامه صنعتی، «نقش و حضور زن در زندگی مردان» است. مادری که تمام عمر حامی پسرش بوده و حتی از زندگی خود برای دستیابی پسر به آرمان‌های بزرگش گذشته است. از نوجوانی او را آقا، شازده و سرور صدا می‌زند. دلسوزی و جان‌نثاری یک «مادر ایرانی» که حتی در زمان سالمندی پسرش نیز، نگران سرماخوردگی اوست.

روایت  
زندگی مرحوم  
سیدعلی‌اکبر صنعتی پر  
است از روایت‌های کلانی  
چون «برپا کردن نهضت انسانی  
در عرصه هنر»، «آرمان‌گرایی  
هنرمند»، «پذیرش رنج و فقر  
برای دستیابی به هنر» و...

مهری، همسر مرحوم صنعتی نیز عمری می‌سوزد و می‌سازد. «با صبوری جمعیت ناآرام خانواده را اداره می‌کند و برای بچه‌ها هم پدر است هم مادر» [چلچراغ، ص ۳۲۳]. تا شوهرش به کار هنر بپردازد و در نهایت وقتی -مثل یک زن ایرانی- از خستگی غر می‌زند و شکایت می‌کند، با حرف‌های مادرشوهرش، چون «عروسی باوفا، متین و باحجب» ساکت و قانع می‌شود! (همان، ص ۳۴۲). این‌ها همه روایت‌های کلانی هستند که بر فرهنگ ما غلبه دارند و انتظار می‌رود نسل امروز نیز آن‌ها را بپذیرد!

داستان با ساختار روایی مشخص در حوزه معنایی محدود جریان دارد. ساختار روایتی که از یک طرف فهم نوجوان را از جهان شکل می‌دهد و برای او معنایی از این جهان می‌سازد، و از طرف دیگر، حوزه معنایی او را از جهان محدود می‌کند. ما در زمان خودمان پای این روایت‌ها می‌نشستیم و اندیشه‌های شکل‌گرفته از آن‌ها -یا همان روایت‌های کلان- را می‌پذیرفتیم. اما بچه‌های امروز از روایت‌های موجود به دلزدگی رسیده‌اند. حتی به کارتون سیندرلا می‌خندند. آن‌ها به دنبال ساختارهای روایتی متفاوتی هستند. روایت‌های ساختارشکنی مثل «شرک»! گویی از اسطوره‌های کلانی که روزی به نظر می‌رسید پاسخ تمام مشکلات را دارند، ناامید شده‌اند و آن‌ها را ایدئولوژی‌ها و ارزش‌گذاری‌هایی می‌دانند که هیچ مشکلی از آنان را حل نکرده است. روایت‌های معاصر می‌کوشند نوع‌های جدیدی از روایت را ارائه کنند؛ حرکت‌هایی بر ضد «گردن‌زیتوها» یا «روایات کلان».

صحبت بر سر این نیست که نباید بچه‌ها با زندگی‌نامه بزرگان عرصه علم و هنر آشنا شوند، یا زندگی‌نامه‌ها و حسب‌حال‌ها (زندگی‌نامه‌های خودنوشت) ارزش و اهمیت کمی دارند. برعکس،

به‌خاطر اهمیت و نقش تربیتی ارزشمندی که افراد بزرگ در نسل امروز و آینده‌ما دارند، باید به «فرم جدید» برای ارائه اندیشه، هنر و دانش آنان بیندیشیم. باید «نگاهی جدید» به زندگی گذشتگان داشته باشیم. نصایح تکراری به شعار تبدیل می‌شوند، حال آنکه «نگاه تازه و عادت‌زدایی» قدرت درک و اندیشه را افزون می‌کند. می‌شود به جای روایت‌های کلان، به «خرده‌روایت»‌ها، یعنی «بازنمایی» بخش‌هایی از زندگی و حوادث و وقایعی پرداخت که ذهن خواننده را به تفکر و اندیشه وادارد. به جای اینکه به‌صورت منفعل در مقابل القای اندیشه نویسنده قرار بگیرد، برای درک و نگاه جدید به متن و نیز جهان هستی، به حرکت و تکاپو بیفتد.

برای مثال، مرحوم صنعتی در عمر ۹۰ ساله خود بسیاری از حوادث سیاسی، اجتماعی و فرهنگی روزگار خود را درک کرده است و با بسیاری از بزرگان چون **ملک‌الشعرا بهار**، **مرحوم دهخدا**، **نیما یوشیج** و دیگر هنرمندان نقاش و خطاط خاطرات مشترک داشته که در کتاب به آن‌ها اشاره شده است. هر کدام از این‌ها می‌تواند تلنگری برای تفکر و نگرش تازه باشد (بدون تحلیل و آوردن دلیل فقط خواننده را به اندیشه وادارد). یک روز جماعت مجسمه‌ای را که او از مصدق ساخته است، گل‌باران می‌کنند و فردای آن روز، عده‌ای به نمایشگاه او هجوم می‌آورند و مجسمه را خرد می‌کنند.

مرحوم صنعتی طرفدار هنر مردمی بود و تمام عمرش را برای ساختن چهره محرومان، در بندماندگان و بیچارگان صرف کرد. او یک نمایشگاه دائمی در میدان توپخانه تهران به نفع محرومان داشت. نمایشگاه چهارراه کالج خود را - که آن زمان بالاشهر بود - به میدان راه‌آهن آورد تا عامه مردم از آن بازدید داشته باشند. از اینکه میوه‌فروش‌ها اجناسشان را به داخل نمایشگاه بردند و کنار مجسمه حافظ و مولوی پرتقال بم فروختند، ابرو در هم نکشید و حضور «شاهنامه» خوانان و فال‌حافظ‌گیران را در نمایشگاه استقبال مردمی دانست. اما در جریان انقلاب، «میوه‌فروش‌های همسایه نمایشگاه، در سودای تسخیر مکان نمایشگاه، در نقاب انقلابی بودن به نمایشگاه هجوم آوردند و شکستند و ویران کردند مجسمه‌ها را، و خاک آن‌ها را توبره کردند!» (همان، ص ۳۴۶). مفهوم هنر مردمی چیست؟ با هنر عامه‌پسند چه تفاوتی دارد؟ هر کدام چه نسبتی با زیبایی‌شناسی دارند؟ قرار نیست یک بیوگرافی (زندگی‌نامه) به این سؤال‌ها پاسخ دهد، اما باید نحوه بیان، سؤال‌برانگیز باشد و خواننده (نوجوان) را به اندیشه وادارد. به جای اینکه چلچراغی در تاریکی دست او دهد، افروختن شمع‌ی را به او بیاموزد.

## ◀ پی‌نوشت

1. masder plot

۲. لیوتار، ژان - فرانسوا، در کتاب «گزیده مقالات روایت»، اثر مارتین مکوئیلان.

3. grand narrative